

## Vocabulary واژگان درس

<b>a few</b> /adj., pron./	تعداد کمی	<b>bus stop</b> /n./	ایستگاه اتوبوس
I read <b>a few</b> of her books. من تعداد کمی از کتاب‌های او را خواندم.		There are two <b>bus stops</b> near your school. دو ایستگاه اتوبوس نزدیک مدرسه شما وجود دارد.	
<b>air</b> /n./	هوا	<b>cheetah</b> /n./	یوز، یوزپلنگ
We need <b>air</b> to be alive. ما برای زنده ماندن به <b>هوا</b> نیاز داریم.		Where is the natural home of the Iranian <b>cheetah</b> ? زیستگاه طبیعی یوزپلنگ ایرانی کجاست؟	
<b>alive</b> /adj./	زنده، در قید حیات	<b>child</b> /n./ (pl. children)	بچه (جمع آن: "children")
Now there are only a few Iranian cheetahs <b>alive</b> . اکنون فقط تعداد کمی یوزپلنگ ایرانی <b>زنده</b> وجود دارند.		The <b>child</b> is watching TV. آن <b>بچه</b> در حال تماشای تلویزیون است.	
<b>among</b> /prep./	از جمله، (در) بین، (در) میان، (در) وسط	<b>coffee</b> /n./	قهوه
The Iranian cheetah is <b>among</b> these animals. یوزپلنگ ایرانی از جمله این حیوانات است.		My father usually drinks <b>coffee</b> in the morning. پدرم معمولاً هنگام صبح <b>قهوه</b> می‌نوشد.	
<b>anymore</b> /adv./	(در جمله‌های منفی) دیگر، بیش از این	<b>common</b> /adj./	(دستور زبان) عام، عمومی
Some hunters don't go hunting <b>anymore</b> . برخی شکارچیان <b>دیگر</b> به شکار نمی‌روند.		The words "boy", "tree" and "bear" are <b>common</b> nouns. کلمه‌های «پسر»، «درخت» و «خرس» اسم‌های <b>عام</b> هستند.	
<b>aquarium</b> /n./	آکواریوم	<b>danger</b> /n./	خطر، مخاطره
They are going to visit the <b>aquarium</b> in the park. آن‌ها قصد دارند که از <b>آکواریوم</b> در پارک دیدن کنند.		The children's lives are still in <b>danger</b> . زندگی بچه‌ها هنوز در معرض <b>خطر</b> است.	
<b>Arab</b> /n./	عرب، عربی	<b>destroy</b> /v./	نابود کردن، از بین بردن
My father is going to travel to some <b>Arab</b> countries this summer. پدرم قصد دارد تابستان امسال به تعدادی کشورهای <b>عربی</b> سفر کند.		They cut trees and <b>destroy</b> lakes. آن‌ها درختان را قطع و دریاچه‌ها را <b>نابود</b> می‌کنند.	
<b>bear</b> /n./	خرس	<b>die out</b> /v./	منقرض شدن، از بین رفتن
The <b>bear</b> is standing on the ice. آن <b>خرس</b> روی یخ ایستاده است.		The Persian lion <b>died out</b> about 75 years ago. شیر ایرانی تقریباً ۷۵ سال پیش <b>منقرض</b> شد.	
<b>be going to</b> /v./	قصد داشتن	<b>dolphin</b> /n./	دلفین
They <b>are going to</b> buy a house soon. آن‌ها <b>قصد دارند</b> به زودی خانه‌ای بخرند.		<b>Dolphins</b> are very clever animals. دلفین‌ها حیوانات بسیار باهوشی هستند.	
<b>bird</b> /n./	پرنده	<b>duck</b> /n./	اردک، مرغابی
In the zoo, we have small animals like <b>birds</b> . در این باغ وحش، ما حیواناتی کوچک مثل <b>پرنده‌ها</b> داریم.		The <b>ducks</b> in the river are very beautiful. اردک‌های داخل رودخانه، بسیار زیبا هستند.	
<b>boring</b> /adj./	خسته‌کننده، کسل‌کننده	<b>Earth</b> /n./	(کره) زمین، زمین
The program is very <b>boring</b> . این برنامه خیلی <b>کسل‌کننده</b> است.		We live on <b>Earth</b> . ما روی (کره) <b>زمین</b> زندگی می‌کنیم.	
<b>build</b> /v./	(ساختمان، پل، جاده) ساختن، درست کردن	<b>elephant</b> /n./	فیل
They <b>build</b> some houses every year. آن‌ها هر سال تعدادی خانه <b>می‌سازند</b> .		There are two types of <b>elephants</b> , the African and the Asian. دو نوع <b>فیل</b> وجود دارد، آفریقایی و آسیایی.	

<b>else</b> /adv./	دیگر، دیگری
We bought something <b>else</b> instead of the car. ما به جای ماشین چیز دیگری خریدیم.	
<b>endangered</b> /adj./	در معرض خطر، در معرض مخاطره
There are some <b>endangered</b> animals on Earth. روی کره زمین برخی از حیوانات در معرض خطر وجود دارند.	
<b>especially</b> /adv./	مخصوصاً، خصوصاً، به‌ویژه
He takes photos <b>especially</b> from animals. او عکس می‌گیرد به ویژه از حیوانات.	
<b>fly</b> /v./	پرواز کردن
Ted will <b>fly</b> to Australia next Monday. تد هفته آینده به استرالیا پرواز خواهد کرد (با هواپیما به استرالیا خواهد رفت).	
<b>forest</b> /n./	جنگل
I went to Golestan <b>Forest</b> last year. من سال گذشته به جنگل گلستان رفتم.	
<b>foot</b> /n./ (pl. feet)	پا (جمع آن پاها: "feet")
Ali's <b>feet</b> broke last night. دیشب پای علی شکست.	
<b>for example</b>	به عنوان مثال، برای مثال
We have some plans. <b>For example</b> , we are going to protect their homes and make movies about their life. ما تعدادی برنامه داریم. برای مثال، قصد داریم که از زیستگاه‌های آن‌ها مراقبت کنیم و درباره زندگی‌شان فیلم بسازیم.	
<b>free</b> /adj./	بیکار، آزاد
Alice is <b>free</b> tonight. آلیس امشب بیکار است.	
<b>future</b> /n./	آینده
Will we have enough food in the <b>future</b> ? آیا ما در آینده غذای کافی خواهیم داشت؟	
<b>gazelle</b> /n./	آهو، غزال
They are hopeful to see some <b>gazelles</b> . آن‌ها امیدوارند که چند آهو را ببینند.	
<b>giraffe</b> /n./	زرافه
In the zoo, we have big animals like <b>giraffes</b> . در باغ وحش، ما حیواناتی بزرگ مانند زرافه‌ها را داریم.	
<b>go hunting</b> /v./	به شکار رفتن
Will you <b>go hunting</b> next month? آیا شما ماه آینده به شکار خواهید رفت؟	

<b>group</b> /n./	گروه، دسته
There are two <b>groups</b> of football players here. در این جا دو گروه از فوتبالیست‌ها وجود دارند.	
<b>gulf</b> /n./	خلیج
The Persian <b>Gulf</b> is a very important sea between Iran and some Arab countries. خلیج فارس، دریایی بسیار مهم بین ایران و برخی از کشورهای عربی است.	
<b>high</b> /adj./	مرتفع، بلند
Some mountains are very <b>high</b> . بعضی کوه‌ها خیلی مرتفع هستند.	
<b>hope</b> /v./	امیدوار بودن، امید داشتن
They <b>hope</b> to save the injured animal. آن‌ها امیدوارند که آن حیوان زخمی را نجات دهند.	
<b>hopeful</b> /adj./	امیدوار
We are <b>hopeful</b> to see the holy shrine. ما امیدواریم که آرامگاه مقدس را ببینیم.	
<b>hopefully</b> /adv./	امیدوارانه، از روی امید، امیدواریم که
They are doing their job <b>hopefully</b> . آن‌ها امیدوارانه در حال انجام کارشان هستند.	
<b>hour</b> /n./	(طول زمان) ساعت
They watched the program for two <b>hours</b> . آن‌ها به مدت دو ساعت آن برنامه را تماشا کردند.	
<b>human</b> /n./	انسان، بشر
All <b>humans</b> must take care of nature. همه انسان‌ها باید مراقب طبیعت باشند.	
<b>hunter</b> /n./	شکارچی، صیاد
His father isn't a <b>hunter</b> anymore. پدرش دیگر شکارچی نیست.	
<b>idea</b> /n./	نظر، عقیده، ایده
What's your <b>idea</b> about saving nature? نظر شما درباره نجات طبیعت چیست؟	
<b>important</b> /adj./	مهم، با اهمیت
Saving nature should be <b>important</b> for all humans. نجات طبیعت باید برای همه انسان‌ها مهم باشد.	
<b>increase</b> /v./	افزایش یافتن، زیاد شدن، زیاد کردن
The number of Iranian cheetahs <b>will increase</b> . تعداد یوزپلنگ‌های ایرانی افزایش خواهد یافت.	
<b>injured</b> /adj./	مجروح، زخمی
We hope that the doctors will save the <b>injured</b> man. ما امیدواریم که پزشکان، آن مرد مجروح را نجات دهند.	

## گرامر درس Grammar

### زمان آینده ساده: "Simple Future Tense"

**تعریف:** همان طور که از اسم این زمان مشخص است، «آینده ساده» به عملی اشاره می‌کند که در آینده صورت می‌گیرد. آینده‌ای که بدون تصمیم و برنامه ریزی قبلی انجام خواهد شد و با فعل کمکی "will" ساخته می‌شود.

**ساختار:** برای ساختن آینده ساده، کافی است پس از فاعل یا ضمیر فاعلی از «فعل کمکی will» و بعد از آن از «شکل ساده فعل» استفاده شود. فعل کمکی "will" در فارسی گاهی معادل «خواستن» به کار می‌رود و گاهی هم برای آن معادل چندین دقیقه ارائه نمی‌شود.

### ساختار خبری: "Affirmative Form"

به جدول زیر دقت کنیم:

جمله‌های خبری			
فاعل	فعل کمکی will	شکل ساده فعل	ادامه جمله
I / You / He / She / We / They / Ali / The man / The children /	will	travel	to Europe.

⇒ I **will save** nature.  
شکل ساده فعل

«من طبیعت را نجات خواهم داد.»

⇒ She **will travel** to Europe.

«او به اروپا سفر خواهد کرد.»

### ساختار منفی زمان آینده ساده: "Negative Form"

برای منفی کردن زمان «آینده ساده» کافی است بعد از فعل کمکی "will"، از "not" استفاده کرد یا آن را به صورت مُخَفَّف یعنی "won't" به کار برد. طبق جدول زیر:

جمله‌های منفی			
فاعل	will not / won't	شکل ساده فعل	ادامه جمله
I / You / He / She / We / They / The nurse / Alice and Kate	will not (won't)	watch	TV.

⇒ You **will not (won't) buy** a new car.

«شما اتومبیل جدیدی نخواهید خرید.»

⇒ Reza **will not (won't) have** an exam tomorrow.

«رضا فردا امتحان نخواهد داشت.»

### ساختار سؤالی زمان آینده ساده: "Question Form"

برای سؤالی کردن زمان «آینده ساده» کافی است فعل کمکی "will" را به ابتدای جمله منتقل کرده و در انتهای جمله علامت سؤال گذاشت. طبق جدول زیر:

جمله‌های سؤالی			
Will در ابتدای جمله	فاعل	شکل ساده فعل	ادامه جمله
Will	I / you / he / she / we / they / Ali / Mina	study	English soon?

⇒ **Will** the man **read** the letter next month?  
شکل ساده فعل

«آیا آن مرد ماه آینده نامه را خواهد خواند؟»

⇒ **Will** the people **lose** their money?

«آیا مردم پولشان را از دست خواهند داد؟»

Grammar

معنی	قیدهای زمان
فردا	tomorrow
به زودی	soon
... آینده	زمان + next
ماه آینده	مثال: { next month
سال آینده	{ next year

**توجه** همان طور که در مثال های قبل مشاهده کردید، قیدهای زمان جدول روبه رو می توانند بر حسب نیاز به عنوان «نشانه های زمانی» برای آینده ساده به کار روند که عبارتند از:

باید توجه داشته باشیم که این قیدهای زمان علاوه بر این که می توانند در آخر جمله قرار گیرند، می توانند در ابتدای جمله هم به کار روند.

⇒ Next month they will travel to Iran.

«ماه آینده آن ها به ایران سفر خواهند کرد.»

⇒ Tomorrow we will have a happy life.

«ما فردا زندگی شادی خواهیم داشت.»

**توجه** قیدهای زمان آینده لزوماً در جمله نمی آیند. بلکه بر حسب نیاز گوینده جمله، ممکن است جمله فاقد قید زمان باشد.

⇒ My sister will work in the office.

«خواهرم در این دفتر (اداره) کار خواهد کرد.»

نحوه سؤالی کردن زمان آینده ساده با کلمات پرسشی "Wh":

- 1- قرار دادن کلمه های پرسشی در ابتدای جمله.
- 2- حذف بخشی از جمله داده شده با توجه به معنا و مفهوم کلمه پرسشی (مثال: کلمه پرسشی "where" (کجا) باعث حذف قید مکان و یا کلمه پرسشی "when" (چه موقع) سبب حذف «قید زمان» جمله می شود.)
- 3- باقیمانده جمله به صورت سؤالی نوشته می شود (یعنی جای فعل کمکی "will" با فاعل عوض می شود یا این که بعد از کلمه پرسشی، بلافاصله "will" قرار می گیرد). (در مورد "Who" و "What" به عنوان فاعل جمله، سؤالی نمی شود.)
- 4- باقی اجزای جمله تغییری نمی کند.

**مثال:** با کلمه پرسشی داده شده، جمله را سؤالی کنید.

They will visit the sick people soon.

فاعل فعل کمکی

قید زمان

When .....

**پاسخ:** کلمه پرسشی "When" سبب حذف قید زمان (در این جمله "soon") می شود. جای "will" را با فاعل یعنی "They" عوض کرده تا

When will they visit the sick people?

جمله سؤالی شود و باقی جمله تغییری نمی کند. در این صورت داریم:

«چه موقع آن ها بیماران را ملاقات خواهند کرد؟»

See Also

Future Tense with "be going to"

زمان آینده با "be going to"

جمله های خبری			
فاعل	be	فعل ساده + "going to"	ادامه جمله
I	am	going to watch شکل ساده فعل	TV tomorrow.
You	are		
We			
They			
He	is		
She			

\* از ساختار "be going to" به معنای «قصد داشتن» طبق جدول روبه رو برای بیان آینده قطعی که با برنامه ریزی و تصمیم قبلی قرار است صورت بگیرد، استفاده می شود. پس از این ساختار، «شکل ساده فعل» به کار می رود.

## Grammar

⇒ I am going to buy a house soon.  
شکل ساده فعل

«من قصد دارم به زودی خانه‌ای بخرم.»

⇒ They are going to leave Tehran tonight.

«آن‌ها قصد دارند امشب تهران را ترک کنند.»

### ساختارِ سؤالی و منفی "be going to"

در مثال‌ها دیدیم که "be" با توجه به فاعل جمله به "am / is / are" تبدیل می‌شود. برای سؤالی کردن "be going to" کافی است یکی از فعل‌های کمکی "am / is / are" به ابتدای جمله منتقل شود و برای منفی کردن هم بعد از "am / is / are" از "not" استفاده می‌شود.

⇒ Mina is going to go out this afternoon.

«مینا قصد دارد امروز بعد از ظهر بیرون برود.»

⇒ Is Mina (she) going to go out this afternoon?

«آیا مینا (او) قصد دارد امروز بعد از ظهر بیرون برود؟»

⇒ Mina (She) is not (isn't) going to go out this afternoon.

«مینا (او) قصد ندارد امروز بعد از ظهر بیرون برود.»

**نکته** از قیدهای زمان "tomorrow", "soon", (زمان + next) و ... در ساختار "be going to" هم استفاده می‌شود.

⇒ My father is going to write a letter soon.

«پدرم قصد دارد به زودی نامه‌ای بنویسد.»

### مهم‌ترین کاربردهای "be going to"

- ۱ برای بیان قصد و تصمیم انجام عملی در آینده  
«من قصد دارم فردا یک کامپیوتر جدید بخرم.»
- ۲ برای بیان پیش‌بینی عملی در آینده که نشانه‌های وقوع آن در زمان حال وجود دارد.  
«به آسمان ابری نگاه کن! می‌خواهد باران بیارد.»

### نحوه سؤالی کردن ساختار "be going to" با کلمه‌های پرسشی "Wh":

- ۱- قرار دادن کلمه پرسشی در ابتدای جمله
  - ۲- حذف بخشی از جمله با توجه به معنا و مفهوم کلمه پرسشی
  - ۳- یکی از افعال کمکی "am / is / are" را پس از کلمه پرسشی می‌نویسیم تا جمله سؤالی شود. باقی اجزای جمله بدون تغییر می‌ماند.
- ⇒ The man is going to buy a newspaper.  
«آن مرد قصد دارد روزنامه‌ای بخرد.»
- ⇒ What is the man (he) going to buy?  
«آن مرد (او) قصد دارد چه چیزی بخرد؟»
- ⇒ I am going to sleep because I'm very tired.  
دلیل یا علت  
«من قصد دارم بخوابم برای این که خیلی خسته‌ام.»
- ⇒ Why are you going to sleep?  
«چرا شما قصد دارید بخوابید؟»

**توجه** این جمله باید با کلمه پرسشی "Why" (چرا) سؤالی شود، بنابراین «دلیل یا علت» از جمله داده شده حذف می‌شود.

## Writing

### "Noun"

### اسم: "Noun"

تعریف: "Noun" (اسم) کلمه‌ای است که برای نامیدن انسان‌ها (People)، حیوان (Animal)، مکان (Place)، شیء (Thing) و یک نظر یا عقیده (Idea) به کار می‌رود.

۱- اسم برای انسان می‌تواند به صورت اسم شخص، شغل، نسبت خانوادگی و ... به کار رود، مانند:

⇒ Maryam, Mr. Amini, farmer, doctor, brother, sister, aunt, uncle, ...

⇒ cow, goat, gazelle, tiger, lion, ...

۲- اسم حیوان مانند:

QUESTIONS

سوالات امتحانی درس

املاء

SPELLING

۱. به جای خط‌های تیره، حرف‌های مناسب قرار دهید.

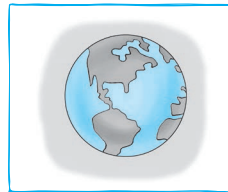
- 1 T \_ g \_ rs and l \_ \_ pards are wild animals.
- 2 We should pay attention to end \_ ng \_ red animals and wild \_ if \_ .
- 3 This man is incr \_ \_ sing the number of the plants that he gr \_ \_ s.
- 4 R \_ c \_ ntly, some animals d \_ \_ d out.
- 5 What are you going to do in f \_ t \_ re to save n \_ t \_ re?
- 6 They watched the movie inst \_ \_ d of visiting their rel \_ tiv \_ s.

واژگان

VOCABULARY

۲. کلمه‌های داده شده را در زیر تصویرهای مربوطه بنویسید. (دو کلمه اضافی است).

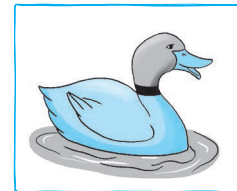
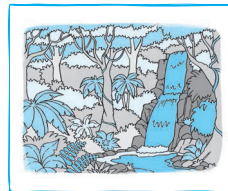
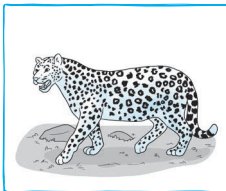
a leopard      a cheetah      a forest      a bear  
a duck      the Earth      a plain      a wolf



7 .....

8 .....

9 .....



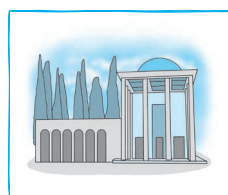
10 .....

11 .....

12 .....

۳. حرف مناسب با جمله‌های داده شده را زیر تصویرهای مربوطه بنویسید (یک جمله اضافی است).

- a We are going to travel to Shiraz.
- b Look at the wonderful plain.
- c They are going to save nature.
- d We love our country.
- e The bear is dangerous.



13 ( )

14 ( )

15 ( )

16 ( )